23296 ـ عذرهایی که روزه نگرفتن در رمضان را مباح می‌کند

سوال

چه عذرهایی باعث مباح شدن افطار در رمضان می‌شود؟

پاسخ مفصل

الحمدلله.

از جمله موارد آسانگیری خداوند در حق بندگانش این است که روزه را تنها برای کسانی واجب نموده که توانایی آن را دارند و برای آنان که از روی عذر شرعی قادر به روزه نیستند روزه نگرفتن را مباح گردانده است. عذرهای شرعی که روزه نگرفتن را مباح می‌کنند از این قرار است:

«نخست: بیماری

بیماری یعنی: هر علتی که انسان را از حد سلامتی خارج سازد.

ابن قُدامه می‌گوید: علما بر این اجماع نموده‌اند که به طور کلی روزه نگرفتن برای بیمار مباح است و اساس آن این قول خداوند متعال است که:

وَمَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ [بقره: ۱۸۵]

(پس هر که بیمار یا در سفر است [باید به شمار آن] تعدادی از روزهای دیگر [را روزه بدارد]).

از سَلَمَة بن اَکوَع ـ رضی الله عنه ـ روایت است که گفت: وقتی این آیه نازل شد که:

وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مِسْكِينٍ [بقره: ۱۸۴]

(و بر کسانی که [روزه‌ی برایشان] طاقت‌فرسا است، کفاره‌ای است که خوراک دادن به بینوایی است)،

هر که می‌خواست روزه نگیرد روزه‌اش را افطار می‌کرد و فدیه می‌داد تا آنکه آیه‌ی بعدِ آن نازل شد:

شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِيَ أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ فَمَن شَهِدَ مِنكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَمَن كَانَ مَرِيضًا

أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ [بقره: ۱۸۵]

(ماه رمضان [همان ماهی] است که قرآن در آن نازل شده است که مردم را هدایتگر و [در برگیرنده‌ی] دلایل آشکار هدایت و [ترازوی] تشخیص حق از باطل است، پس هر کس از شما این ماه را درک کند باید آن را روزه بدارد و کسی که بیمار یا در سفر است [به شمار آن روزها] تعدادی از روزهای دیگر [را روزه شود]).

و آیه‌ی پیشین را نسخ نمود. بنابراین بیماری که می‌ترسد روزه بر بیماری‌اش بیفزاید یا شفایش به تاخیر افتد یا از تباه شدن عضوی از بدنش می‌ترسد می‌تواند روزه نگیرد و بلکه مستحب است روزه نگیرد و کامل کردن روزه برایش مکروه است زیرا ممکن است به هلاکتش بینجامد و دوری از آن واجب است. شدت بیماری نیز افطار را برای بیمار مباح می‌گرداند، اما صحیح این است که صرفا اگر از سختی و خستگی بترسد روزه نگرفتن برایش جایز نیست، یعنی اگر تنها دچار خستگی می‌شود.

ثانیا: سفر

سفری که در آن اجازه‌ی افطار دارد باید این شروط را داشته باشد:

الف ـ سفر باید طولانی باشد به طوری که نماز در آن قصر شود.

ب ـ مسافر در سفر خود قصد اقامت نداشته باشد.

ج ـ سفرش به نیت معصیت نباشد، بلکه بر اساس رای جمهور علما برای یک قصد صحیح باشد، چراکه افطار یک رخصت و تخفیف است و گناهکاری که از سفرش قصد معصیت دارد مستحق این رخصت نیست، مانند آنکه برای راهزنی به مسافرت رفته باشد.

پایان یافتن رخصت سفر:

رخصت سفر به اتفاق علما با دو چیز به پایان می‌رسد:

نخست: هرگاه مسافر به سرزمینش بازگردد و وارد وطنش یعنی محل اقامتش شود.

دوم: اگر مسافر در اثنای سفر قصد اقامت و ماندگاری نماید یا تصمیم گیرد مدتی در یک جا ماندگار شود و آن جا برای اقامت صلاحیت داشته باشد. در این حالت وی دیگر مسافر نیست و مقیم شده است و باید نمازش را کامل ادا نماید و در رمضان روزه گیرد، چرا که حکم سفر به پایان رسیده است.

عذر سوم: حاملگی و شیردهی:

فقها بر این اتفاق دارند که بانوان باردار و شیرده به شرط آنکه بترسند خود یا فرزندشان بیمار شوند، یا بیماری‌شان بدتر شود یا بیم زیان و مرگشان رود، اجازه دارند در رمضان روزه نگیرند. دلیل رخصت روزه نگرفتن برای آنها این آیه است:

وَمَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ [بقره: ۱۸۵]

(پس هر که بیمار یا در سفر است [باید به شمار آن] تعدادی از روزهای دیگر [را روزه بدارد]).

منظور از بیماری در این آیه عین بیماری نیست، زیرا بیماری که روزه برایش زیانی ندارد اجازه‌ی روزه نگرفتن ندارد. نام بردن از بیماری کنایه از امری است که روزه در آن باعث زیان می‌شود یعنی معنای بیماری که در مورد زن آبستن و شیرده نیز این معنا موجود است، بنابراین تحت رخصت افطار قرار می‌گیرد. از دیگر دلایل رخصت روزه نگرفتن برای این زنان حدیث انس بن مالک کعبی ـ رضی الله عنه ـ است که پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ فرمود: خداوند روزه و نصف نماز را از [عهده‌ی] مسافر انداخته است، و از زن حامله یا شیرده روزه را.

چهارم: پیری و فرتوتی.

پیری و فرتوتی شامل مرد و زن کهنسالی می‌شود که نیرویش از بین رفته یا در شُرُف فنا است و هر روز که می‌گذرد به مرگ نزدیک‌تر می‌شود، یا بیماری که امیدی به شفایش نیست و از سلامتی‌اش مایوس شده‌اند. دلیل مشروعیت روزه نگرفتن این افراد، سخن الله متعال است که می‌فرماید:

وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مِسْكِينٍ [بقره: ۱۸۴]

(و بر کسانی که [روزه برایشان] طاقت‌فرساست، کفاره‌ای است که خوراک دادن به بینوا است).

ابن عباس ـ رضی الله عنهما ـ می‌گوید: این آیه منسوخ نیست، و برای پیرمرد و پیرزنی است که توانایی روزه ندارند، پس به جای هر روز به یک مسکین غذا می‌دهند.

پنجم: تشنگی و گرسنگی غیر قابل تحمل:

کسی که دچار گرسنگی یا تشنگی شدید غیر قابل تحمل شده به اندازه‌ی ضرورت آب یا غذا می‌خورد و بقیه‌ی روز را امساک می‌کند و سپس قضای آن روز را به جای می‌آورد.

همینطور ترس از سستی در هنگام روبرو شدن با دشمنان احتمالی یا حتمی نیز به مورد قبلی الحاق می‌شود، مانند آنکه در

محاصره‌ی دشمن باشند، بنابراین مجاهد اگر از روی یقین یا گمان غالب بداند که قرار است با دشمن روبرو شود و مسافر هم نباشد و ترس این باشد که اگر در حالت روزه با دشمن روبرو شود دچار ضعف و سستی شود، اجازه دارد پیش از جنگ افطار کند.

ششم: اجبار

اکراه یا اجبار یعنی آنکه دیگری انسان را خلاف رضایتش و با تهدید مجبور به انجام یا ترک یک کار کند».